

کارگزاران استعمار

• زهرا کشاورز قاسمی



■ نخستین کارگزاران استعمار

■ حسین ملکی

■ تهران، انتشارات اشاره، چاپ اول: ۱۳۸۷، تعداد صفحات: ۶۱۶

نخستین کارگزاران استعمار نوشته حسین ملکی است که انتشارات اشاوه در ۶۱۶ صفحه به چاپ رسانده است. این کتاب نخستین اثر تحقیقی و نقد تاریخی است که با نگرشی تازه و از بعد ویژه به بازنگری و بازشناسی رویدادهای گذشته نه چندان دور تاریخ معاصر ایران پرداخته است. وی هدف از این کار را شکستن طلسم ناآگاهی و زدودن تصورات ناسالم ذهنی می‌داند که داده‌هایی القایی کارگزاران استعمار در اذهان پدید آورده است.

حسین ملکی در آغاز کتاب و در سرسخن، به معنای واژه استعمار پرداخته و اظهار می‌دارد که پیدایی استعمار که خود زاده مجموعه شرایط ویژه تاریخی در روند تکاملی مناسبات اجتماعی کشورهای اروپایی بود، یکی از نقطه عطف‌های مشخص و مهم تاریخ سراسر ادوار تمدن بشری است که رویدادهای خونین و مظالم بی‌شماری در راستای تاریخ و در ابعاد گوناگون از خود به جای نهاده و هنوز هم اثرات دیر پای آن در کشورهای معروف جهان سوم ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها و زشت کارهای فراوان پدید می‌آورد. (ص ۱۱)

ایشان توضیحات مختصری را در خصوص ورود استعمار به ایران و استفاده استعمارگران از ایرانی‌ها که به نام ایرانی فرمان راندند و حکومت‌گران ایرانی را مجری مقاصد پلید خود کردند، می‌دهد و عمده‌ترین هدف را از نگارش این کتاب نشان دادن ریشه‌های تاریخی خیانت حکومت‌گران ماسونیک و شرح زندگی نامه تک ستارگان خدمتگزاری می‌داند که گاهی در افق تیره اجتماعی ایران ظهور کرده‌اند و همچنین در غایت امر به پی‌جویی و ریشه‌یابی دو حرکت متضاد عصر مشروطیت (خط انحرافی و شبه انقلابی رجال ماسونیک و خط اصیل نیروهای انقلابی و مردمی) و جداسازی این دو خط خیانت و خدمت و ارائه سرشت، تمایلات و مقاصد هر یک از آن دو می‌پردازد (صفحه ۲۸) ایشان عنوان می‌دارد که مورخان ماسونی و قلم به دستان متأثر از مکتب آن‌ها در آثار خود همواره سعی داشتند که در توصیف رویدادهای دوران مشروطیت، این خطوط و حرکت‌های متضاد را به عنوان یک پدیده واحد و در چارچوب حرکت کلی انقلابی جامعه، متحد و یکپارچه و منبعث از ملت معرفی می‌کنند. این تز عوام فریبانه که با جعل و تحریف آشکار حقایق تاریخی همراه



ورودی قلعه پرتغالی‌ها (هرمز)، جزیره‌ی قشم

مورد مطالعه قرار می‌دهد و علل پیدایش و دگرگونی مختلف رویدادها، پدیده‌ها و تحولات اجتماعی را در روند تکاملی آن‌ها شناسایی کرده و کارکرد ارگانیک اجتماعی و بخشش‌های گوناگون آن را در مراحل رشد و حرکت بررسی و یا مستندات و شواهد معتبر سنجیده، سپس راه حل‌های موفقیت‌آمیز مشکلات و مسایلی را که در پیش روی جوامع انسانی قرار دارد، ارائه می‌دهد و به پیشرفت آن‌ها کمک می‌کند. تاریخ، تنها از این رهگذر می‌تواند خدمتگذار صدیق بشریت باشد و برای بهروزی اقشار جوامع محروم بشری، ثمربخش شود. مؤلف در مورد اینکه مورخ باید دارای چه خصیصه‌ای باشد. خصوصیات مورخ را شرح داده و بسیاری از مورخان را به نقد و بررسی کرده است. و معتقد است اصول ابتدایی و نکات بدیهی علم تاریخ حکم می‌کند که مورخ باید وقایع تاریخی را با روش علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، و علل پدید آورنده آن‌ها را شناسایی کرده و نتایج حاصله را در دسترس پی‌جویان مسائل تاریخی و علاقمندان به تاریخ جامعه خود، یا دیگر جوامع بشری بگذارد و تنها با پیگیری چنین راهی می‌توان افسانه سرایی، شخصیت پردازی حتی وقایع‌نگاری را از تاریخ جدا کرد و تاریخ را به مثابه چراغی برای نور دیدن راه‌های تاریک و پر پیچ و خم در گذرگاه زندگی، به‌دست شیفتگان پویانده پرتوان راه خوش بختی و سعادت آینده بشری سپرد (ص ۴۱) در نهایت بعد از بررسی و به نقد کشیدن مورخانی چون حسین مکی، اظهار می‌دارد که مورخ باید از علم تاریخ، به مثابه ابزار دقیق در جهت کشف و تبیین رابطه علیت در جریان رویدادها و حرکت‌های اجتماعی بهره‌گیری کند و دستاوردهای فکری و پژوهشی خود را با بیان واقع‌گرایانه در دسترس شیفتگان تاریخ قرار دهد، در غیر این صورت هر آنچه که به نام تاریخ

است. تعرض خود را تا جایی پیش برده، که جریان ساختگی شبه انقلابی ماسونیک، با رنگ و لعاب کاذب خود چهره نموده‌های راستین انقلابی و سیمای رهبران مردمی را در صفحات تاریخ دوران معاصر کاملاً محو و بی رنگ ساخته است (ص ۲۹) ایشان کتاب‌هایی را به نام مجموعه متون تاریخی و پژوهشی تاریخی و تاریخ مشروطیت توسط مؤلفان و مورخان ماسونی و با اقتدای آن‌ها از سوی دیگر نویسندگان عرضه شده نقد کرده و می‌گوید که جای جای صفحات کتاب آن‌ها عوام فریبانه به نام مردم سخن رفته، ولی هرگز با مردم سخن گفته نشده و همه فوت و فن نویسندگی به کار گرفته شده تا مطالب تحریف یافته، به عنوان ارزش‌های مهم تاریخی به خواننده القا شود. و در واقع زرادخانه‌ای از نیرنگ جای واقعیت‌های تاریخی را گرفته است. در این آثار به، اصطلاح تاریخی هرگاه به ضرورت نام یکی از پیش‌گامان و رهبران مردم در متن رویدادها به میان آمده، لحن سخن تغییر پیدا کرده است. ایشان مدعی است که قلم به دستان مدعی تاریخ‌نگاری نظیر باستان پاریزی، مهدی ملک زاده، ابراهیم صفایی و امثال آن‌ها، بعد از کلی رطب و یا بس بهم بافیدن و داستان‌های ساختگی جعل کردن، بلافاصله برچسب‌هایی چون عامی، بی‌سواد، ترسو، تجزیه طلب و حتی اتهام کثیفی مانند دزد و سارق که در شأن و عفت قلم هیچ مورخی نیست به افرادی نظیر ستارخان، باقرخان و شیخ محمد خیابانی زده شده است. در آستانه ورود به مباحث اصلی کتاب گفتاری را تحت عنوان «تاریخ چیست؟ و مورخ کیست؟» به مثابه کلید شناخت اصالت نوشته‌های تاریخی با خوانندگان در میان می‌نهد. و معتقد است که تاریخ علمی است که که جامعه بشری و انسان اجتماعی را در راستای تکامل و حیات بشریت با قانون‌مندی‌های خاصی

میلادی که نخستین راهیان دول استعماری اروپا، جای پای خود را در بخشی از میهن ما، در خلیج فارس استوار می‌ساخت، ایران چهره آشفته و دلخراشی داشت و چون گوشت قربانی قسمت شده بود و هرچند گاه تکیه‌ای از آن بین امرای محلی که جز هوس قدرت‌نمایی، اندیشه‌ای در سر نداشتند، دست به دست می‌شدند. (ص ۶۲) در بطن چنین شرایط عنان گسیخته‌ای که سراسر ایران آن روز را فراگرفته بود، خاندان صفوی در پی رواج فوق‌العاده تصوف و فرقه درویشان و پس از یک رشته جنگ و گریزها با امیران محلی و کسب منزلت دودمانی و فتح و پیروزی در عرصه سیاسی ایران ظهور کرد و با تأسیس دولت صفویان اساس حاکمیت هزارساله ملوک الطوایفی و خان‌خانی فروپاشید و عصر نوینی از تمرکز وحدت به وجود آمد و دگربار اقتدار حکومت مرکزی در قلمرو سرزمین ایران رو به گسترش و استحکام نهاد (ص ۶۳) همزمان با این اوضاع در ایران تهاجم ناوگان جنگی پرتغالی‌ها به جزیره هرمز را داریم که پادشاه صفوی سرگرم مبارزه با نیروی عثمانی بود اوضاع را برای مقابله با پرتغالی‌ها هیئتی را برای انعقاد یک پیمان اتحاد به هرمز فرستاد که نتیجه آن قبول تحت‌الحمایگی دولت پرتغال بر جزیره هرمز بود و پرتغال تعهد کرد که در صورت ضرورت تسهیلات لازم را برای حمل و نقل دریایی سپاهیان ایران به بحرین و قطیف فراهم آورد و هم چنین در جهت سرکوب شورش خوانین بلوچ در مکران، به یاری ایران بشتابد. انعقاد چنین پیمانی سبب شد که ناوگان پرتغالی‌ها کنترل کامل خود را بر مسقط و هرمز و بخشی وسیعی از خلیج فارس برقرار سازد. پرتغالی‌ها از مجرای طرح اتحاد با شاه صفوی به تحریکاتی پرداختند که نتیجه آن تشدید تیرگی و وخامت روابط ایران و عثمانی و ایجاد شکاف بین معتقدان شیعه و سنی بود (ص ۶۶) در سال ۱۶۰۰ م کمپانی انگلیسی هند شرقی تأسیس شد و توجه خود را به خلیج فارس معطوف داشت. این کمپانی با اجازه شاه عباس یک پایگاه تجاری در بندر جاسک تأسیس کرد و ایران توانست با کمک نیروهای انگلیسی جزیره هرمز را تصرف کرده و پرتغالی‌ها بعد از گذشت ۱۱۶ سال از آن جا رانده شدند و جزیره به حاکمیت ایران درآمد. (ص ۶۸)

استعمارگران بریتانیایی با رانده شدن پرتغالی‌ها از حوزه خلیج فارس و هرمز و بهره‌گیری از تجارب سلف استعمارگر خود تدارک سلطه همه‌جانبه‌ای را در خلیج فارس آغاز کردند. (ص ۶۹) از مجاری این

عرضه شود هرگز آن اعتباری را نخواهد یافت که در شمار آثار مانا و ارزنده تاریخی از منزلت خاص داوری تاریخ برخوردار شود. عمر چنین کتاب‌هایی از سن و سال نویسندگانش فزون‌تر نخواهد رفت و چه بسا کوتاه‌تر از حیات آنان خواهد بود. (ص ۵۰)

بخشی اول: دورنمای ایران و جهان و مداخله بیگانگان در اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران

قرن ۱۵ م آغازگر عصر نوینی در تاریخ بشری و مناسبات بین‌المللی به شمار می‌رود. در بطن این قرن عناصر اولیه جامعه نوین سرمایه‌داری در اروپا تکوین یافت و به عنوان پدیده جدید در روابط اجتماعی ملت‌های این قاره موجودیت خود را تسجیل کرد وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان در سده ۱۷ که از جهت مناسبات سرمایه‌داری در جهان آن روز از همه کشورهای دیگر رشد یافته‌تر بود، تأثیراتی گوناگون در کشورهای دیگر اروپایی پدید آورد. و در دهه‌های بعد پیدایش انقلاب بورژوازی فرانسه علیه حاکمیت فنودالیزم را که به انقلاب کبیر ۱۷۸۹ شهرت جهانی یافته باید یکی از نتایج تأثیر فکری و سیاسی انقلاب انگلستان به حساب آورد. (ص ۵۵) در اوایل دهه سوم سده ۱۸ دو تن از متفکران وابسته به هیئت حاکمه انگلیس به اسامی دکتر تتوفیل دزاگولیه و دکتر جیمز آندرسن به پایه‌گذاری سازمان فراماسونری انگلیس پرداختند که به سرعت شعبات این لژمادر، در سایر کشورهای اروپایی نیز دایر شد طرح تشکیل این سازمان که بعدها نقش اساسی در بند کشیدن کشورها و تاراج هستی ملت‌ها و نابودی فرهنگ و رسوم و آداب سرزمین‌های متصرفی و گسترش قلمرو امپراتوری بازی کرد، همواره چون سلاح قدرتمند در کف دیپلماسی انگلیس راهگشای اهداف امپریالیسم و صهیونیسم و نفوذ به ارگان‌های مهم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهان بوده است. (ص ۵۶)

آغاز نفوذ استعمارگران پرتغالی به سرزمین ایران

کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب و راه دریایی دور آفریقا از طریق دماغه امید نیک به وسیله بارتمی دیاز سپس دستیابی دریاسالار پرتغالی و اسکودوگاما به هندوستان، آغازگر تعرض دول اروپایی به سرزمین‌های دورو نزدیک قاره‌های آفریقا، آمریکا و آسیا شد و سرآغاز دوران سیاه تازه‌ای در تاریخ بشری شد، که به نام پدیده استعمار معروفت تاریخی پیدا کرده است. در آستانه سده دهم هجری مقارن با آغاز قرن ۱۶

نویسنده عمده‌ترین هدف را از نگارش این کتاب نشان دادن ریشه‌های تاریخی خیانت حکومت‌گران ماسونیک و شرح زندگی نامه تک ستارگان خدمتگزاری می‌داند که گاهی در افق تیره اجتماعی ایران ظهور کرده‌اند

کارگزاران استعمار

مورخ باید از علم تاریخ، به مثابه ابزار دقیق در جهت کشف و تبیین رابطه علیت در جریان رویدادها و حرکتهای اجتماعی بهره‌گیری کند و دستاوردهای فکری و پژوهشی خود را با بیان واقع‌گرایانه در دسترس شیفتگان تاریخ قرار دهد

از ابتدای قرن ۱۸ که دنیا در آستانه عصر تازه‌ای از رقابت‌های آزاد قرار گرفته بود، نخستین اژدهای جهان سرمایه، در آغازین زادگاه رشد خویش هر روز نقشه‌ها، طرح‌ها، ترفندها و توطئه‌های مبتکرانه می‌ریخت، تا در آزمون جهان خوارگی بر رقبای دیگر پیشی گیرد. (ص ۲۱۵)

کسب سیادت بر دریاها و تصرف بازارهای مشرق زمین، به‌عنوان مرحله نخست جهش به سکوی پیروزی، در رأس برنامه‌های استراتژیک دولت‌های استعماری اروپا قرار گرفت. امپراتوری بریتانیا که از قرن ۱۷ در رشد مناسبات سرمایه‌داری نسبت به دولت‌های اروپایی سبقت گرفته بود، اولین دولت استعمارگر جهان بود که برای پیروزی در مبارزه جهان خوارگی، سیاست را به طور جدی و دقیق در خدمت تجارت به‌کار گرفت و آن را هدف دیپلماتیک خود در پیش‌برد مقاصد استعماری قرار داد و از این تصمیم‌گیری مهم سیاسی نتایج بسیار درخشان در غلبه بر دیگر رقبای به‌دست آورد (۲۱۶) در این رابطه اشکال تازه‌ای در سیاست داخلی و خارجی امپراتوری انگلیس پدیدار شد. که بعدها نقش اساسی و عمده‌ای در جهت نظامات کشورهای مشرق زمین و دخالت در امور دولت‌ها و گماردن مهره‌های سر سپرده به مقامات حساس ممالک دیگر بازی کرد و آن‌ها را به سرزمین‌های مستعمره و نیمه مستعمره امپراتوری بدل کرد (ص ۲۱۶) اشکال دیپلماسی امپراتوری انگلیس از قرن ۱۸ به بعد:

- ۱- تغییر خطمشی بازرگانان شرکت هند شرقی با آمیزه لاینفک از سیاست و تجارت از نیمه دوم قرن هجدهم
- ۲- نقش فراماسون‌های وابسته به لژ مادری انگلیس در جریان انقلاب کبیر فرانسه و دامن زدن به گسترش مخالفت‌های عمومی علیه لویی شانزدهم و نیز فعالیت در جهت زوال و شکست انقلاب
- ۳- به‌کارگیری و بهره‌جویی از توصیه برادران شرلی، دایر بر گماردن مهره‌های سرسپرده در رأس کشورهای دیگر، اجرای مقاصد توسعه‌طلبانه خود به دست این گماشتگان.
- ۴- تبلیغ بنیادهای فکری و فلسفی لیبرالیسم، سپس به‌عنوان رهاورد جهان سرمایه در سایر کشورها در جهت به بند کشیدن ملت‌ها و تاراج هستی آنها به اجرا گذارده شده است.
- ۵- ترویج تز ملی‌گرایی به مفهوم ناسیونالیسم بورژوازی

کمپانی‌های تجاری بود که دولت‌های اروپایی به تدریج زمینه نفوذ و غلبه خود را بر حکمرانان محلی فراهم ساختند و کشورهای مستقل بسیاری را عملاً به سرزمین‌های مستعمره بدل کردند. تا جایی که تنها در هندوستان کمپانی هند شرقی هلند، کمپانی هند شرقی پرتغال، و بعدها کمپانی هند شرقی فرانسه و کمپانی هند شرقی انگلیس به وجود آمد (ص ۷۵) در همان حال روز به روز قدرت و تسلط شرکت‌های تجاری فزون‌تر می‌شد، دامنه رقابت‌های خصومت‌آمیز نیز بین آنان شدت می‌گرفت به خصوص که در این میان بر قدرت و توانایی کمپانی‌های بازرگانی هلند و انگلستان افزوده می‌شد تا جایی که توانستند پرتغالی‌ها را از صحنه رقابت کوتاه کنند و رقابت را بین خود ادامه دادند. این رقابت و مبارزه شدیدی که بین انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در جهت کسب سیادت بر دریاها و بازارهای شرقی در گرفته بود، منجر به جنگ شد که در نه تنها در اروپا بلکه در آسیا نیز شعله‌ور شد و این امر به توسعه اقتصادی این کشورها، آسیب‌های بسیاری وارد آورد. مؤلف سپس به شرح اجمالی فعالیت‌های دیپلماتیک برادران شرلی تعلیم دیده می‌پردازد و بخشی از نقشه و نقش آنان را در تشدید خصومت ایرانیان با ترکان عثمانی بازگو می‌کند تا ریشه رویدادهایی که عامل فرودستی مسلمانان در منطقه خاورمیانه و نزدیک شد را نشان دهد. ایشان اظهار می‌کند که تا پیش از مأموریت برادران شرلی، اهمیت استراتژیک و ژئوپولوتیک ایران مورد توجه استعمارگران نوحاسته اروپایی نبود، لیکن این دو برادر بودند که توجه دیپلماسی انگلیس را عمیقاً به سوی ایران معطوف داشتند و نخستین فرمان شاه عباس را برای فعالیت آزاد کمپانی انگلیس هند شرقی در خلیج فارس و بنادر جنوبی ایران به دست آوردند، اینان با راهنمایی خبیثانه و توصیه معروفشان راهگشای مداخلات مرئی و پنهانی امپراتوری بریتانیا شدند (ص ۱۳۵) سپس مؤلف تاریخ ایران را در قرون ۱۷ و ۱۸ بررسی می‌کند و جریان حوادث اواخر عمر شاه عباس و زوال دولت صفوی را به صورت اجمالی شرح می‌دهد بعد به بررسی رویدادهای دوران نادر و آغا محمد خان قاجار پرداخته است.

بخش دوم: هدیه دوزخی استعمار در سده نوزدهم به ایران و بازتاب عملکردهای کارگزاران بیگانه در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران

استعمارگران بریتانیایی با رانده شدن پرتغالی‌ها از حوزه خلیج فارس و هرمز و بهره‌گیری از تجارب سلف استعمارگر خود تدارک سلطه همه‌جانبه‌ای را در خلیج فارس آغاز کردند. از مجاری این کمپانی‌های تجاری بود که دولت‌های اروپایی به تدریج زمینه نفوذ و غلبه خود را بر حکمرانان محلی فراهم ساختند

کارگزاران استعمار

ارگانیک نوشته‌های تاریخی فراماسون‌ها از هم نگسلد و تنور پخت آنها همچنان داغ بماند.

در ادامه مؤلف به بررسی و معرفی آثار مورخ ایرانی خانم منصوره اتحادیه پرداخته و ایشان را در زمره خاندان‌های حکومتگر ایران معرفی می‌کند و معتقد است که بررسی آثار مورخ بیان‌گر توجیه همان تفکر انحرافی در موازات خطی است که افشای آن را از اهداف کتاب می‌داند. و می‌خواهد نشان دهد که مؤلف گاهی به میخ و گاهی به نعل می‌زند تا خواننده در شناخت پدیده‌های واقعی وطن خود سردرگم شود، و می‌خواهد تناقض گفتار، پرده‌پوشی‌های عامدانه، کوشش در توجیه خیانت دولتمردان، دلیل تراشی‌های ناموجه برای خیانت‌ها، داعیه بی‌غرضی در تاریخ‌نگاری و تفکر مستقل سیاسی وی را مخدوش و آن سوی چهره مورخ پا گرفته در دورمان‌های حکومتگر را عریان و بی‌پرده نشان دهد. (ص ۳۷۹)

بخش سوم: ایران در سراسیمه سقوط و دام تازه استعمار

ملکی فصلی را به موضوع رشوه‌گیری فتحعلی‌شاه و صدراعظم‌های او اختصاص داده است. با رجوع به اسناد تاریخی به ویژه خاطرات خارجی‌هایی که به ایران آمده‌اند، می‌نویسد: کاسپار دروویل سرهنگ سیاح فرانسوی که در عصر فتحعلی‌شاه مدتی را در خدمت عباس میرزا ولیعهد بوده در سفرنامه خود یادآور شده است هنگامی که سرچی آخرین سفیر انگلستان به ایران آمد، هدیه‌هایی از جمله کالسکه بسیار زیبایی برای تقدیم به حضور شاه به همراه آورده بود، قرار بر این بوده که در ایران چهار اسب از نژاد عالی نیز برای بستن به کالسکه‌ها خریداری و به شاه تقدیم کند، سفیر انگلیس این مطلب را به عرض شاه می‌رساند، فتحعلی‌شاه از مبلغی که برای خرید اسب‌ها تخصیص داده شده است جويا می‌شود، سفیر انگلیس در پاسخ می‌گوید:

ششصد تومان برای این کار منظور شده است. شاه می‌گوید، بسیار خوب، ششصد تومان را به من بده تا تو را از خرید اسب معاف دارم. سرچی که نخست تصور می‌کرد شاه به طنز و شوخی سخن می‌گوید، سرانجام پیشنهاد وی را می‌پذیرد، شاه ایران نیز پول را گرفته و پس از چندی کالسکه بی‌اسب را به ولیعهد خویش می‌بخشد. (ص ۴۰۸) «این سیاح فرانسوی تأکید می‌کند» تقدیم پول به بزرگان در ایران، امر بسیار عادی و پیش پا افتاده‌ای است، شخص شاه از این رسم استفاده می‌کند. (ص ۴۰۹)

ع- ایجاد سازمان فراماسونری به سال ۱۷۲۳ در انگلیس و تعمیم آن به سرزمین‌های دیگر اعم از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری یا در حال رشد و یا عقب مانده (ص ۲۱۷).

ایشان سپس به بررسی رویدادهای جانشینان آغا محمد خان قاجار پرداخته و حضور استعمارگران را در ایران آن روز و عملکرد این حاکمان را در برابر آنان نشان می‌دهد.

مؤلف در فصل سوم، این بخش به عملکرد فتحعلی‌شاه قاجار، در دوران سلطنتش اشاره کرده شاهی که در پرتو بی‌خردی و بی‌خبری و طمع ورزی خود، زمینه بسیار مساعدی را برای نفوذ گسترده استعمارگران در صحنه سیاسی ایران به وجود آورد و عاملان سیطره جوی انگلیس توانستند دقیقاً آن چه را که برادران شرفی به وزارت امور خارجه انگلستان توصیه کرده بودند، در ایران پیاده کنند. (ص ۳۱۷) انتصاب عناصر بی‌شخصیت و مال دوست، کوتاه فکر و بیگانه خواه به مقامات عالی‌تر کشور در سطح گسترده و تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی آنان به‌عنوان مجریان مقاصد استعمارگران انگلیسی سبب شد که ایران در فاصله‌ای کوتاه از یک کشور قدرتمند مستقل منطقه، به سرزمین نیمه مستعمره تبدیل شود، قطعاً چند از دامان میهن اصلی جدا شود و شاه چون قاصدکی لرزان بازیچه دست عوامل دست‌نشانده، به دامن این و آن قدرت استعماری در آویزد و آن چه که در این میانه میدان مطرح نبود، همان سرنوشت کشور و مصالح ملت بود. نسل‌های بعدی برخاسته از میان این خاندان‌های دست‌نشانده و جیره‌خوار با وصلت‌های خانوادگی و زنجیره ارتباطات فراماسونری رفته رفته، به پیدایش طبقه نوپا و هیأت حاکمه کشور انجامید که بیش از یک صد و هشتاد و چند سال حاکمیت بی‌چون و چرایی داشتند.

ایشان در صفحه ۳۷۵ کتاب خود مدعی است که بازماندگان نوادگان و نبرگان نسل‌های اول تا سوم دولتمردان بیگانه خواه عصر قاجار با توشه‌ای از آموخته‌های خود در دامان موطن ممتاز فراماسونری و ظرفیت دماغی انباشته از تعالیم آنان به‌عنوان محققان نخبه و کارآمد، با چراغ تزویر و ریا و اغواگری پا به میدان فرهنگ و ادب نهاده‌اند و با نوشته‌های استاندار شده و هدف ویژه کانالیز کردن شعور عام و تطهیر حکومت‌گران و خاندان‌های دولتمدار عصر قاجار و دوران بعدی، می‌خواهند رابطه

ویلیام دستل مأمور سیاسی انگلیس در ایران در گزارش شماره ۶ مورخ ۳۰ مه ۱۸۱۰ میلادی به‌عنوان سوهانری دنداس ملقب به لرد ویسکونت ملویل، رییس سازمان نظارت بر اداره امور هند می‌نویسد: عقیده شخصی اینجناب این است که وقتی شخصی از طرف شاه (منظور پادشاه بریتانیا است) به عنوان سفارت دربار تهران تعیین می‌شود باید بهای هدایایی که همراه سفیر فرستاده می‌شود در موقع معرفی خود به دربار ایران تقدیم کند، از بودجه عمومی پرداخته شود. (ص ۴۱۰)

سرگوراوزلی سفیر انگلیس در گزارش شماره ۱۶ مورخ ۲۸ مه ۱۸۱۰ میلادی به همان مقام یادآور می‌شود: آقای محترم امیدوارم اقدام‌ها و تذکراتی که گاهی پیشنهاد می‌شود؛ با حسن قبول تلقی خواهید فرمود. اطلاع حاصل کردم که شاه آینه‌های بزرگ را بسیار دوست دارد. اکنون که سفیر او به کمپانی هند شرقی معرفی شده است به جا خواهد بود که دو زوج از بزرگ‌ترین آینه‌هایی که تاکنون در شرق دیده شده، برای او فرستاده شود. پس از رسیدن آینه‌ها به بوشهر، شاه برای آوردن آن‌ها دستور خواهد داد. این موضوع سبب صرفه‌جویی مبلغ زیادی از هزینه‌ها خواهد شد. (ص ۴۱۱)

تصور می‌کنم دو وزیری که تنها مشاوران شاه هستند و در صدد تهیه و ارسال نامه به عنوان آن‌ها هستند، انتظار دارند نامه‌ها با تحفه‌ها و هدایا همراه باشد. درباره جنس این هدایا صورتی تقدیم داشته‌ام، برخی از اشیایی که در صورت نام برده شده با چند تکه زری و موسلین و غیره که تهیه آن‌ها در بمبئی به آسانی ممکن است، کافی خواهد بود و ماهوت مخصوصاً رنگ‌های آبی و سبز رنگ، هدیه پرارزشی است که بسیار مورد پسند است..... اطمینان می‌دهم این مخارج که تحت نظر اینجناب خرج می‌شود بیهوده و بی‌نتیجه نخواهد بود. (ص ۴۱۲)

محمود محمود، مؤلف تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ می‌نویسد: فتحعلی شاه، همیشه شیفته و مفتون هدایا و پیش‌کش‌های گران‌بهای انگلیسی‌ها بود، معروف است، هر وقت بنا بود نماینده مخصوص یا وزیر مختار تازه‌ای از انگلستان یا هندوستان برسد، همیشه پنهانی تحقیقات می‌کرد که قبلاً مطلع شود این شخص چه هدیه گران‌بهای برای او آورده است. (ص ۴۱۳)

در کتاب حقوق بگیران انگلیس در ایران نیز در رابطه با تقسیم هدایا بین دولتمردان عصر فتحعلی شاه چنین می‌خوانیم: «سرگور اوزلی بارت، با هدیه‌ها و تحفه‌های فراوان از انگلستان به طرف ایران حرکت کرد، یک قرن پس از این ماجرای ننگین که سرآغاز پرداخت رشوه به رجال ایرانی و ترویج فساد در دربار قاجاریه به وسیله انگلیسی‌ها بود، ویلسون، شرق‌شناسی انگلیسی از میان اوراق و اسناد لرد ملویل، نامه‌های سرگور اوزلی را که حاکی از پرداخت رشوه هدیه و تحفه به درباریان است، به دست آورده و به صورت کتابچه‌ای منتشر کرد. این اسناد نشان می‌دهد که انگلیس‌ها با کمک میرزا ابوالحسن خان و با دادن رشوه و تحفه حتی به غلامان و نوکرهای درباری، چگونه مقدمات نوکری و سرسپردگی همه درباریان فتحعلی شاه را فراهم ساختند و با این اسناد شرم‌آور، قسمت کوچکی از عملیات انگلیسی‌ها و عمال کثیف آن‌ها فاش می‌شود. (ص ۱۵-۴۱۴)

خان ملک ساسانی، نویسنده دل سوخته و درد آشنایی که بیش از دیگر نویسندگان به افشای حاکمان سرسپرده پرداخته در کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران زیر عنوان راه‌های پنهانی می‌نویسد: «انگلیس‌ها از تاریخ آمدن سرجان ملکم سفیر هندوستان به ایران تا گرفتن امتیاز نفت یعنی در مدت صد و اندی سال برای پیشرفت

سیاست استعماری و تهیه جاسوس چندین روش داشته‌اند. در زمان فتحعلی شاه برای برهم زدن اتحاد ایران و فرانسه به شاه و وزیران ظروف طلا و نقره و جواهر و اسلحه و دوربین و ساعت و شال کشمیری و ماهوت انگلیسی و... رشوه می‌دهند (ص ۴۱۶)

بنابر اسناد بازمانده، نخستین شخصیت دولتی ایران که در رده بالای حکومتی رسماً مستمری دریافت داشته، حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی، سومین صدر اعظم دوره سلطنت فتحعلی شاه، سپس پسرش عبدالله خان امین الدوله آخرین وزیر اعظم وی بوده است. گزارش رسمی شماره ۷-۱۵ مورخ ۲۶ مه ۱۸۱۰ سرگور اوزلی بارت سفیر انگلیس در ایران، در نوشته‌ای نوکران میرزا ابوالحسن خان شیرازی را که رشوه گرفته‌اند شامل محمدعلی بیگ، غلامحسین هاشم، محمدرحیم، کربلایی حسن، محمدرحیم، حسین، حاجی عبدالله و صادقی می‌داند که هر کدام ۵۰ پوند رشوه گرفته‌اند.

درباره کتاب

۱- مؤلف به کتاب‌های مختلفی که در خصوص این موضوع نوشته شده‌اند، اشاره کرده و مطالب مندرج در آن‌ها را نقد و بررسی کرده است و تحلیلی از آن‌ها ارائه می‌دهد.

۲- مؤلف در این کتاب، ناگزیر ورود به مباحث سیاسی است اما مسایل سیاسی را بیشتر از حد معمول پروراند است.

۳- ایشان توضیحاتی را برای آگاهی بیشتر خواننده در پاورقی آورده است که این کار، بر غنای کار افزوده است. نگاه کنید به صص ۳۶۵-۱۱۲.

۴- مؤلف مدعی است که با هیچ کس غرض فردی و برخورد شخصی نداشته و اگر در این دستاورد تاریخی نام این یا آن فرد به هر عنوان و جهتی به میان می‌آید صرفاً شاخصی جز عملکرد خود آن فرد نداشته است. در صورتی که وی نام افرادی بسیاری را در جرگه فراماسون‌ها می‌آورد افرای که به دلیل کوچک‌ترین ارتباط با این انجمن به فراماسون بودن متهم شده‌اند افرادی نظیر ارباب کیخسرو شاهرخ که برای این ادعا مؤلف به تنها تصویری که در کتاب دیگری مشاهده کرده است استناد می‌کند (ص ۴۲) و یا در مورد ابراهیم باستان پاریزی که به دلیل گرایشات لیبرالی به فراماسون بودن متهم شده است. در صورتی که داشتن هرگونه ارتباط با این انجمن دلیل بر عضو بودن در این انجمن و پیش‌برد مقاصد آن نخواهد بود و برای این اتهام دلایل بیشتر و موثقی لازم است که مؤلف به این قضیه توجه نکرده است.

۵- مؤلف تمام کتاب‌هایی که به گونه‌ای در مورد فراماسونری نظر مساعدی داشته و افراد و مقاصد آن را ستوده‌اند، تخطئه کرده و به نقد کشیده است در عوض کتاب‌هایی که به نوعی از این انجمن به بدی یاد کرده، ستوده است.

عایشان دیپلماسی انگلیس که ریاکارانه وارد ایران شده را به مهمان نامحرمی تشبیه می‌کند که رندانه سر سفره صاحبخانه می‌نشیند و در فرصت مساعد از غفلت میزبان استفاده کرده دست به سرقت اموال می‌زند ولی در آخر ایشان خود این قیاس را مع الفارق می‌خواند. (ص ۴۰۱)

معلوم نیست دلیل ذکر این تشبیه با وجود آگاهی به مع الفارق بودن آن چیست.